



## تأثیر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری

شکراله خواجوی\*، محمدحسین قدیریان آرنانی\*\*، زهره قدیریان آرنانی\*\*\*، هاشم نصیری فر\*\*\*\*

### چکیده

شرکت‌هایی که کیفیت اطلاعات حسابداری آن‌ها پایین است، به دلیل عدم دستیابی به سایر منابع تامین مالی، تمایل بیشتری به استفاده از اعتبار تجاری دارند. از طرفی، اطلاعات حسابداری و کیفیت آن از عواملی هستند که تصمیم‌گیری تأمین‌کنندگان در خصوص اعطای اعتبار تجاری به شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با وجود این، انتظار می‌رود زمانی که هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها پایین باشد، تأمین‌کنندگان به اطلاعات حسابداری مشتریان و کیفیت آن کمتر توجه کنند. بر این اساس، هدف مقاله حاضر بررسی رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری و همچنین تأثیر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر این رابطه است. در پژوهش حاضر داده‌های ۸۸۸ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸، برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت و از کیفیت اقلام تعهدی به عنوان سنج کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده شد. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش دو فرضیه تدوین و برای آزمون آنها، روش رگرسیون خطی چندمتغیره به کار گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، کیفیت اطلاعات حسابداری بر اعتبار تجاری تأثیر منفی دارد؛ همچنین، هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری اثرگذار نیست. بر اساس یافته‌های پژوهش چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری رابطه معکوس

وجود دارد. به بیان دیگر، تمایل به دریافت اعتبار تجاری، با افزایش کیفیت اطلاعات کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر اعتبار تجاری، تحت تاثیر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها قرار نمی‌گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** اعتبار تجاری، کیفیت اطلاعات حسابداری، هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها، کیفیت ارقام تعهدی.

### مقدمه

اعتبار تجاری<sup>۱</sup> مهمترین منبع تأمین مالی کوتاه‌مدت واحدهای تجاری است (برنانک و گرتلر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵) و شرکت‌هایی که با مشکل نقدینگی مواجه هستند، می‌توانند از اعتبار تجاری استفاده کنند و به فعالیت خود ادامه دهند و به این صورت مانع از ایجاد وقفه در عملیات خود شوند (فرناندو و مولیر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). با توجه به این که در بسیاری از موارد خریداران تعهدات خود را با تأخیر پرداخت می‌کنند، پرداخت به موقع تعهدات از سوی مشتریان، نگرانی‌هایی را برای تأمین‌کنندگان به دنبال دارد. حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد شرکت‌ها، بدهی‌های خود را با تأخیر به تأمین‌کنندگان می‌پردازند (آلتوناک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). مساله پرداخت با تأخیر محدود به شرکت‌های کوچک نمی‌شود و شرکت‌های بزرگ نیز ممکن است در پرداخت تعهدات تجاری خود تأخیر داشته باشند. تأمین‌کنندگان به هنگام اعطای اعتبار تجاری به مشتریان خود، احتمال پرداخت با تأخیر و حتی در بعضی از موارد احتمال نکول را در نظر می‌گیرند (چن<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). لذا، در چنین شرایطی تأمین‌کنندگان باید به دنبال اطلاعاتی برای ارزیابی وضعیت مشتریان خود باشند. تأمین‌کنندگان به عنوان فراهم‌کنندگان تأمین مالی کوتاه‌مدت، پیش از ارائه اعتبار تجاری به مشتریان خود چندین جنبه مهم از جمله حاشیه سود حاصل از فروش اضافی به صورت نسیه، توان خریدار برای پرداخت به موقع تعهدات تجاری خود و وضعیت مالی بلندمدت خریدار را در نظر می‌گیرند (ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵). در نتیجه، صورت‌های مالی یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که تأمین‌کنندگان برای ارزیابی وضعیت اعتباری مشتریان از آن استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی است که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر، برای سهام‌داران و سایر ذینفعان سودمندی بیشتری دارند

(دیچو<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). دسترسی به اطلاعات با کیفیت‌تر باعث می‌شود تا تأمین‌کنندگان پیش‌بینی بهتری در مورد فعالیت‌های آتی شرکت داشته باشند و تصمیمات مناسب‌تری در ارتباط با ارائه اعتبار تجاری به مشتریان خود اتخاذ کنند. بنابراین، انتظار می‌رود کیفیت اطلاعات حسابداری یکی از عوامل مؤثر بر میزان استفاده شرکت‌ها از اعتبار تجاری باشد. هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها<sup>۷</sup> نیز یکی از عواملی است که می‌تواند تصمیمات تأمین‌کنندگان در اعطای اعتبار تجاری به مشتریان خود را تحت تأثیر قرار دهد. تأمین‌کنندگان در صورتی که بتوانند با هزینه کمی کالاهای فروخته شده را بازپس گیرند و آن‌را به وجه نقد تبدیل کنند، نیاز چندانی به بررسی وضعیت اعتباری مشتریان ندارند، چرا که با هزینه‌های اندک می‌توانند مطالبات خود را از طریق بازپس‌گیری کالاهای فروخته شده و نقد کردن آن وصول کنند. بنابراین، انتظار می‌رود هزینه‌های نقدشوندگی موجودی‌ها یکی از عوامل تأثیرگذار بر رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و استفاده از اعتبار تجاری باشد. این موضوع در پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) به صورت تجربی نیز نشان داده شده است که با افزایش هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر اعتبار تجاری کاهش می‌یابد.

با توجه به موارد پیشگفته، این پرسش مطرح می‌شود که آیا بین کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها و میزان استفاده آن‌ها از اعتبار تجاری رابطه‌ای وجود دارد و آیا میزان هزینه‌های نقدشوندگی موجودی‌ها این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ بر این اساس، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین تأثیر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر این رابطه است. با توجه به شرایط تورمی اقتصاد ایران به نظر می‌رسد تأمین‌کنندگان برای وصول مطالبات از طریق بازپس‌گیری موجودی‌ها و فروش مجدد آن‌ها انگیزه بالایی داشته باشند. با وجود این، در پژوهش‌های پیشین داخلی اثرات این عامل در موضوع اعتبار تجاری (هم به عنوان متغیر اثرگذار بر اعتبار تجاری و هم به عنوان متغیر اثرگذار بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری) نادیده گرفته شده است. به طور خلاصه، رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری در بین شرکت‌های ایرانی در برخی پژوهش‌های پیشین (ابراهیمی کردلر و طاهری، ۱۳۹۴؛ ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵؛ افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷) بررسی شده ولی تاکنون در ایران

در مورد تأثیر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر این رابطه پژوهشی انجام نشده است؛ از این رو، اهمیت پژوهش حاضر از آنجا ناشی می‌شود که بررسی این دو موضوع به صورت هم‌زمان می‌تواند خلأ موجود در این زمینه را برطرف کند و نقش هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها را در موضوع اعتبار تجاری روش سازد. در ادامه، پس از مرور پیشینه و بیان روش‌شناسی، یافته‌های پژوهش گزارش و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

### مبانی نظری، پیشینه و تدوین فرضیه‌ها

اعتبار تجاری توافقی بین خریدار و فروشنده است که در آن فروشنده به خریدار اجازه می‌دهد که بهای کالاهای خریداری شده را با تأخیر پردازد (مین و اسمیت<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲). اعتبار تجاری در فعالیت‌های تجاری هر شرکتی نقش اساسی ایفا می‌کند و نشان‌دهنده میزان اعتماد تأمین‌کنندگان و اعتباردهندگان به شرکت است. شرکت‌هایی که اعتبار تجاری بالایی دارند، بدون این که پولی پردازند، خدمات مورد نیاز خود را از تأمین‌کنندگان دریافت می‌کنند و بانک‌ها و سایر اعتباردهندگان می‌توانند وضعیت شرکت‌ها را با بررسی اعتبار تجاری‌شان ارزیابی کرده و به آن‌ها تسهیلات اعطا کنند (ونفنگ‌وو<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

قدیمی‌ترین نظریه در مورد اعتبار تجاری که از طریق فروشنده در دسترس خریدار قرار می‌گیرد، از نوع تأمین مالی است (امری<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷). خریدار ممکن است از طریق یک قرارداد رسمی مانند یک سند وام و یا به صورت غیررسمی از طریق فاکتورها مبادرت به تبادل کالا یا خدمات و شرایط اعتباری کند. بنابراین، اعتبار تجاری جایگزینی برای مؤسسات تأمین مالی است. طبق این نظریه، تأمین‌کنندگان در ارائه اعتبارات تجاری به خریداران، از مزایای متعددی نسبت به مؤسسات تأمین مالی برخوردارند (دی و یانگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۵). یکی از این مزیت‌ها این است که تأمین‌کننده نه تنها ارتباط نزدیکی با خریدار در یک موقعیت برتر دارد، بلکه نقش نظارت‌کننده نیز برای ارزیابی اعتبار مشتریان خود دارد. چنین مزیتی برای مؤسسات تأمین مالی وجود ندارد (دی و یانگ<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۵). اگر کالا دارای ارزش بیشتری باشد، مبالغی به عنوان وثیقه به فروشنده‌گان مؤسسات مالی داده خواهد شد. فروشنده نیز با در نظر گرفتن کاهش ریسک اعتبار تجاری می‌تواند شرایط اعتباری بهتری را نسبت به مؤسسات مالی ارائه دهد (اسمیت<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۹). در صورتی که پرداخت به تعویق

بیفتد، تأمین‌کننده نیز می‌تواند خریداران را به توقیف منابع تهدید کند. بانک‌ها یا مؤسسات مالی از چنین مزیتی برخوردار نیستند (کامیابی و گرجیان مهبلانی، ۱۳۹۵).

اعتبار تجاری به‌عنوان یک مجوز برای کیفیت ارائه شده توسط تأمین‌کنندگان به مشتریان عمل می‌کند و شرکت‌هایی که از تأمین‌کنندگان اعتبار تجاری دریافت می‌کنند، اهرم مالی بالاتری دارند. بالاتر بودن اهرم مالی این شرکت‌ها نشان دهنده آن است که مؤسسات مالی به این شرکت‌ها وام بیشتری می‌دهند (گارسیا-آپندینی<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۱). مشتریان بزرگ و قابل اعتماد بیشتر از اعتبار تجاری ارائه شده توسط تأمین‌کنندگان کوچک‌تر استفاده می‌کنند که ارتباط نامتقارن بین تأمین‌کنندگان و مشتریان را نشان می‌دهد (کلپر<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). مرفین و انجورج<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۴) نشان دادند که تأخیر در پرداخت به‌وسیله مشتریان بزرگ، محدودیت‌هایی را برای تأمین‌کنندگان از نظر سرمایه‌گذاری در املاک و تجهیزات به‌وجود آورده و موجب کاهش مخارج سرمایه‌ای می‌شود. بنابراین تأمین‌کنندگان هنگام دادن اعتبار تجاری به مشتریان خود، باید احتمال پرداخت با تأخیر، و حتی در بعضی از موارد احتمال نکول را نیز در نظر بگیرند (چن و همکاران، ۲۰۱۷). صورت‌های مالی یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که تأمین‌کنندگان برای ارزیابی وضعیت اعتباری مشتریان مورد استفاده قرار می‌دهند. با وجود این، سودمندی صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان به کیفیت اطلاعات حسابداری وابسته است (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰).

در مورد رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری دو نظریه وجود دارد. بر اساس نظریه اول شرکت‌های با کیفیت اطلاعات بالاتر به میزان بیشتری از اعتبارات تجاری استفاده می‌کنند. در این نظریه، به‌منظور داشتن درک صحیحی از ریسک‌های موجود در وضعیت اعتباری یک شرکت، صورت‌های مالی نقش بسیار مهمی دارند (پیکه و چنگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۱). شرکت‌ها برای این که اعتبار تجاری بیشتری داشته باشند باید اعتماد تأمین‌کنندگان را مبنی بر توانایی پرداخت جلب نمایند. بنابراین، اطلاعات با کیفیت بالاتر نقش مهمی را در جلب اعتماد تأمین‌کنندگان و جلب اعتبار تجاری ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، فروشندگان در زمان تصمیم‌گیری برای فروش نسبه و ارائه اعتبار تجاری به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی به‌طور کامل از وضعیت خریدار آگاهی ندارد. با این وجود، مجموعه‌ای از علامت‌ها<sup>۱۶</sup> وجود دارند که فروشندگان می‌توانند با بهره‌گیری از آن‌ها وضعیت خریدار را ارزیابی و در مورد ارائه اعتبار به خریدار به‌طور صحیح تصمیم‌گیری کنند. اگر با

احتمال زیاد خریدار وضعیت خوبی دارا باشد، فروشنده راحت‌تر به وی کالا را به صورت اعتباری می‌فروشد (بیایس و گالیر<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۷). به بیان دیگر، تأمین‌کنندگان از کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان علامتی برای ارزیابی وضعیت اعتباری خریدار استفاده می‌کنند (ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵). هرچه اطلاعات کیفیت بالاتری داشته باشند، تأمین‌کنندگان می‌توانند پیش‌بینی بهتری در مورد فعالیت‌های آتی شرکت داشته باشند، در نتیجه تصمیمات مناسب‌تری در رابطه با اعطای اعتبار تجاری به مشتریان خود اتخاذ کنند. در نتیجه، کیفیت اطلاعات حسابداری مشتریان نقش مهمی در ارزیابی وضعیت خریداران و تصمیمات تأمین‌کنندگان برای فروش اعتباری به آن‌ها دارد (پیترسن و راجان<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۷؛ یون<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۳). یافته‌های پژوهش‌های گارسیا-ترول<sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۱۴)، دوکس<sup>۲۱</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، ابراهیمی کردلر و طاهری (۱۳۹۴) و افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) نشان از وجود رابطه مثبت بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری دارد. یافته‌های پژوهش‌های دی و یانگ (۲۰۱۵)، ژنگ<sup>۲۲</sup> (۲۰۲۰) و کامیابی و گرجیان مهلبانی (۱۳۹۵) در خصوص رابطه مثبت بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری و همچنین نتایج پژوهش یون<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۳)، ژینگ<sup>۲۳</sup> و همکاران (۲۰۲۱) و ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) در خصوص رابطه منفی مدیریت سود ساختگی<sup>۲۴</sup> و اعتبار تجاری نیز به طور غیرمستقیم شواهد تجربی برای نظریه نخست ارائه می‌کنند.

در نظریه دوم، با توجه به مزایای اعتبار تجاری نسبت به سایر منابع تأمین‌کننده (همچون امکان تهدید به کاهش منابع، بازدید از محل خریدار، بازپس‌گیری کالای عرضه شده)، تأمین‌کنندگان وابستگی کمتری نسبت به گزارش‌های مالی مشتریان در نظارت و ارزیابی اعتبار آن‌ها دارند. در نتیجه، کیفیت اطلاعات حسابداری مشتریان در تصمیمات تأمین‌کنندگان برای اعطای اعتبار تجاری تأثیر زیادی ندارد (چن و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس این نظریه، از لحاظ تقاضا نیز مشتریانی که کیفیت حسابداری بالاتری دارند، دسترسی بیشتری به سایر منابع مالی دارند و در نتیجه تقاضای کمتری برای اعتبار تجاری خواهند داشت. کیفیت اطلاعات حسابداری بالا به سرمایه‌گذاران سنتی کمک می‌کند تا خطر وام‌گیرندگان را بهتر ارزیابی کنند، بنابراین این شرکت‌ها اطلاعات شفاف‌تری دارند. در مقابل، تقاضای اعتبار تجاری برای مشتریانی که کیفیت اطلاعات حسابداری کمتری دارند، بیشتر است زیرا این شرکت‌ها دسترسی محدودی به سایر منابع مالی دارند (چن و

همکاران، ۲۰۱۷). در نتیجه، بر اساس این نظریه انتظار می‌رود بین کیفیت اطلاعات حسابداری و استفاده از اعتبار تجاری رابطه‌ای معکوس وجود داشته باشد. پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) یکی از پژوهش‌هایی است که در آن شواهد تجربی برای این نظریه در خصوص رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری ارائه شده است.

به‌طور خلاصه در مورد رابطه بین اعتبار تجاری و کیفیت اطلاعات حسابداری، دو نظریه متضاد وجود دارد. این رابطه بر اساس نظریه نخست مثبت و بر اساس نظریه دوم منفی است. یافته‌های پژوهش‌های تجربی هم در زمینه جهت رابطه این دو متغیر یکسان نیست. بنابراین، فرضیه اول پژوهش بدون جهت مطرح می‌شود:

فرضیه اول: بین کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها و میزان اعتبار تجاری آن‌ها رابطه وجود دارد.

در زمان ورشکستگی شرکت‌ها، تأمین‌کنندگان به احتمال زیاد می‌توانند کالاهای عرضه شده به آن‌ها را بازپس بگیرند. بر این اساس یکی از مزایای تأمین‌کنندگان مواد و کالا نسبت به سایر تأمین‌کنندگان مالی این است که با احتمال بیشتری به اصل سرمایه خود دست می‌یابند. این موضوع به‌ویژه در صورت پایین بودن هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها (فروش موجودی‌ها و نقد کردن آن‌ها) وجود دارد. در این حالت تأمین‌کنندگان اطلاعات زیادی برای ارزیابی وضعیت اعتباری مشتریان نیاز ندارند زیرا می‌توانند با بازپس‌گیری کالاهای فروخته شده به مشتریان مطالبات خود را وصول کنند؛ اما زمانی که هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بالا باشد، تأمین‌کنندگان برای ارزیابی خطر اعتبار تجاری مشتریان باید به کیفیت اطلاعات حسابداری آن‌ها توجه بیشتری داشته باشند، زیرا مطالباتشان از آن‌ها تضمین شده نیست. از این رو، تأمین‌کنندگان در صورت پایین بودن هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها، تمایل دارند اعتبار تجاری را به مشتریانی ارائه دهند که از اطلاعات با کیفیت پایین‌تری برخوردارند. در نتیجه انتظار می‌رود که اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر اعتبار تجاری برای مشتریان با سطح پایین هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بیشتر باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۷). چن و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی تجربی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری نشان دادند زمانی که هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها افزایش می‌یابد با توجه به این که تأمین‌کنندگان هزینه نکول را در نظر می‌گیرند اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر اعتبار تجاری ضعیف‌تر می‌شود. به بیان دیگر،

هنگامی که هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها افزایش می‌یابد اثر کیفیت اطلاعات حسابداری بر اعتبار تجاری کاهش می‌یابد. بر اساس استدلال بالا و وجود شواهد تجربی در مورد آن، فرضیه دوم به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم: هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری اثرگذار است.

### روش‌شناسی

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند. از آن‌جا که بررسی‌های لازم پس از وقوع رویدادها انجام گرفته و امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد، پژوهش حاضر پژوهشی پس‌رویدادی است. هم‌چنین، این مطالعه از لحاظ هدف نمونه‌ای از پژوهش‌های کاربردی است و سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران و سازمان‌های تدوین‌کننده مقررات و استانداردهای حسابداری می‌توانند از نتایج آن استفاده کنند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها و نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری شده‌اند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۳ آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار Eviews9 تجزیه و تحلیل شده است.

### جامعه و نمونه

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. به علت وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، نمونه بر اساس شرایط زیر انتخاب شده است:

۱. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد و طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹، تغییر سال مالی نداده باشد.
۲. تا پایان سال مالی ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
۳. اطلاعات مالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.
۴. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد.



همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های یاد شده، تعداد ۱۱۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ برای بررسی انتخاب شد. در نتیجه، داده‌های ۸۸۸ سال- شرکت برای واکاوی گردآوری شد.

جدول ۱: نحوه انتخاب نمونه

تعداد	شرح
۳۵۷	شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۸
(۳۷)	بانک‌ها و مؤسسات مالی
(۱۰۹)	منتهی نبودن سال مالی منتهی به پایان اسفندماه هر سال
(۸۶)	پذیرفته نشده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۸۸
(۱۴)	عدم دسترسی به داده‌های مورد نیاز
۱۱۱	تعداد شرکت‌های مورد بررسی

### الگوها و متغیرها

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$TC_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 LCost_{it} + \beta_3 AQ_{it} \times LCost_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_5 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

TC: اعتبار تجاری؛ AQ: کیفیت اطلاعات حسابداری؛ LCost: هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها؛ Size: اندازه شرکت؛ ROA: سودآوری شرکت؛ Lev: اهرم مالی؛ SG: رشد فروش و  $\varepsilon$  مقدار باقیمانده الگو.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش اعتبار تجاری (TC) است. اعتبار تجاری میزان تامین مالی انجام شده از طریق اعتباری دریافتی از تأمین کنندگان را نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر همچون پژوهش‌های پیشین (پیترسن و راجان، ۱۹۹۷؛ جیانتی<sup>۲۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ ایزدی نیا و طاهری، ۱۳۹۵؛ افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷) از طریق تقسیم حساب‌های پرداختی تجاری بر جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

## متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر کیفیت اطلاعات حسابداری است. در پژوهش حاضر همانند پژوهش‌های پیشین (چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ نمازی و همکاران، ۱۳۹۳؛ صالح‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴؛ فرهنگیان و حیدرپور، ۱۳۹۸؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ و نیک‌نیافر و همکاران، ۱۳۹۹؛ طاهری‌نیا، ۱۳۹۹) از کیفیت ارقام تعهدی<sup>۲۵</sup> به‌عنوان معیاری از کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده شده است. در این پژوهش مشابه پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۱۷)، خواجوی و قدیریان‌آرانی (۱۳۹۴) و فرهنگیان و حیدرپور (۱۳۹۸) برای اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی، الگوی دیچاو و دیچو<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۲) به کار گرفته شده که به شرح زیر است:

$$\Delta WC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t-1} + \alpha_2 CFO_{i,t} + \alpha_3 CFO_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

$\Delta WC$ : ارقام تعهدی سرمایه در گردش جاری؛ CFO: نشان‌دهنده جریان وجه نقد حاصل از عملیات؛  $\varepsilon$ : مقدار باقیمانده الگو.

در الگوی بالا، ارقام تعهدی سرمایه در گردش با استفاده از رابطه ۳ محاسبه شده است:

$$\Delta WC_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta Cash_{i,t} - \Delta CL_{i,t} + \Delta SD_{i,t} \quad (3)$$

$\Delta CA$ : تغییر در دارایی‌های جاری؛  $\Delta Cash$ : تغییر در نقد و معادل‌های نقدی؛  $\Delta CL$ :

تغییر در بدهی‌های جاری؛  $\Delta SD$ : تغییر در حصة جاری تسهیلات دریافتی.

شایان ذکر است به‌منظور همگن کردن داده‌ها، تمام متغیرهای روابط (۲) و (۳) به میانگین جمع دارایی‌ها تقسیم شده است. با توجه به کوتاه بودن سری زمانی هر شرکت، الگوی رگرسیونی<sup>۲</sup> به‌صورت مقطعی برازش شده است. انحراف معیار خطای برآورد این الگو برای هر شرکت ( $\sigma_\varepsilon$ ) که با استفاده از داده‌های دوره‌های چهار ساله محاسبه شده است، به‌عنوان شاخص معکوسی از کیفیت ارقام تعهدی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین بالاتر بودن انحراف معیار الگوی<sup>۲</sup> نشان‌دهنده پایین بودن کیفیت ارقام تعهدی و در نتیجه پایین بودن کیفیت سود است (دیچاو و دیچو، ۲۰۰۲). در نتیجه، همچون پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) از قرینه انحراف معیار خطای برآورد الگوی رگرسیونی<sup>۲</sup> به‌عنوان معیار مستقیمی از کیفیت اطلاعات حسابداری استفاده می‌شود.

## متغیر تعدیل‌گر

در فرضیه دوم متغیر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها متغیر تعدیل‌گر است که همچون پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) از طریق قرینه نسبت موجودی‌ها به جمع دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

## متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی با توجه به پیشینه پژوهش به شرح ذیل انتخاب شده است: شرکت‌های بزرگ اعتبار بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند (پترسن و راجان، ۱۹۹۷)؛ دسترسی چنین شرکت‌هایی آسانتری به منابع خارجی تأمین مالی بیشتر و در نتیجه وابستگی آن‌ها به اعتبار تجاری کمتر است (چن و همکاران، ۲۰۱۷ و ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵). یافته‌های پژوهش احمد<sup>۲۸</sup> و همکاران (۲۰۱۴)، چو<sup>۲۹</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، کیم<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۶)، چن و همکاران (۲۰۱۷)، مک‌گونیس<sup>۳۱</sup> و همکاران (۲۰۱۸)، ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) و افلاطونی و نوروزی (۱۳۹۹) نیز حاکی از اثرگذاری اندازه شرکت بر اعتبار تجاری است.

از سوی دیگر، شرکت‌هایی که از رشد بالایی برخوردارند، به‌منظور ادامه رشد خود از اعتبار تجاری بیش‌تر استفاده می‌کنند (پترسن و راجان، ۱۹۹۷ و ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵). یافته‌های تجربی (گارسیا-ترول و ماتینز-سولانو<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۰؛ کیم، ۲۰۱۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ ابراهیمی‌کردلر و طاهری، ۱۳۹۴؛ ایزدی‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵؛ افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷) و افلاطونی و نوروزی، (۱۳۹۹) نیز اثرگذاری رشد شرکت بر اعتبار تجاری را نشان داده‌اند. بر این اساس، رشد شرکت به‌عنوان دومین متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود.

همچنین، سودآوری یکی از عواملی است که می‌تواند ظرفیت استفاده از اعتبار تجاری را تحت تأثیر قرار دهد به‌طوری‌تأمین‌کنندگان برای ارزیابی توان ایفای تعهدات خریداران به این نسبت توجه ویژه دارند. پژوهش‌های پیشین (احمد و همکاران، ۲۰۱۴؛ چو و همکاران، ۲۰۱۵؛ کیم، ۲۰۱۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷) و افلاطونی و نوروزی، (۱۳۹۹) نیز شواهدی تجربی از این اثرگذاری ارائه کرده‌اند.

بدیهی، رتبه اعتباری شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد به‌طوری‌که اهرم مالی یکی دیگر از نسبت‌های مالی است که توسط تأمین‌کنندگان برای ارزیابی توان ایفای تعهدات خریداران مورد بررسی قرار می‌گیرد و به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر اعتبار تجاری مطرح است. شواهد تجربی (چو و همکاران، ۲۰۱۵؛ کیم، ۲۰۱۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷) و افلاطونی و نوروزی، (۱۳۹۹) نیز نشان می‌دهد که اهرم مالی از دیگر متغیرهای اثرگذار بر اعتبار تجاری است.

با توجه به موارد بالا، در این پژوهش اندازه شرکت (Size)، رشد شرکت (SG)،

سودآوری شرکت (ROA) و اهرم مالی (Lev) به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است، همچون پژوهش‌های ابراهیمی کردلر و طاهری (۱۳۹۴) و ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) رشد فروش به‌عنوان معیاری از رشد شرکت در نظر گرفته شده است. به‌علاوه، به پیروی از چن و همکاران (۲۰۱۷) لگاریتم طبیعی دارایی‌ها به‌منظور اندازه‌گیری اندازه شرکت به کار گرفته شده است.

### یافته‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۲ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بیشترین و کمترین میزان پراکندگی در بین متغیرهای پژوهش به ترتیب مربوط به متغیر اندازه شرکت و کیفیت اطلاعات حسابداری است. آماره‌های توصیفی حاکی از آن است که به‌طور میانگین موجودی‌ها حدود ۲۱ درصد دارایی‌ها را تشکیل داده است. همچنین، به‌طور میانگین حدود ۶۴ درصد از منابع شرکت‌ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است که حدود ۲۵ درصد آن را اعتبار تجاری (حساب‌ها و اسناد پرداختنی) تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، شاخص‌های مرکزی مربوط به متغیر اعتبار تجاری حاکی از این است که به‌طور متوسط حدود ۱۶ درصد از دارایی‌ها از طریق اعتبار تجاری (حساب‌ها و اسناد پرداختنی تجاری) تأمین مالی شده است.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
اعتبار تجاری	TC	۰/۱۵۹	۰/۱۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۸۶	۰/۱۶۰
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	-۰/۱۰۹	-۰/۰۹۲	-۰/۹۵۷	-۰/۰۱۵	۰/۰۷۸
هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها	LCost	-۰/۲۱۱	-۰/۱۹۴	-۰/۶۴۷	۰/۰۰۰	۰/۱۲۵
اندازه شرکت	Size	۱۴/۱۴۸	۱۴/۰۳۶	۱۰/۵۰۴	۱۹/۲۴۹	۱/۴۸۰
سودآوری	ROA	۰/۰۷۵	۰/۰۶۵	-۰/۱۰۶۳	۰/۶۳۱	۰/۱۵۲
اهرم مالی	Lev	۰/۶۳۶	۰/۶۲۸	۰/۰۹۶	۱/۶۴۸	۰/۲۱۰
رشد فروش	SG	۰/۱۸۲	۰/۱۲۸	-۰/۹۷۱	۷/۸۱۵	۰/۴۸۳

به منظور بررسی پایایی متغیرها از آزمون لوین، لی و چو استفاده شده که نتایج مربوط به آن در جدول ۳ آورده شده است. با توجه به کمتر بودن سطح معناداری آماره آزمون از مقدار ۰/۰۵ کلیه متغیرهای موجود در دوره پژوهش پایا هستند.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون پایایی متغیرها

متغیر	نماد متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
اعتبار تجاری	TC	-۳۰/۰۶۶	۰/۰۰۰
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	-۱۸/۱۰۶	۰/۰۰۰
هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها	LCost	-۲۷/۹۱۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	-۱۹/۵۵۱	۰/۰۰۰
سودآوری	ROA	-۲۵/۹۱۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	Lev	-۴/۵۹۸	۰/۰۰۰
رشد فروش	SG	-۳۶/۸۲۸	۰/۰۰۰

از آزمون چاو و هاسمن به منظور انتخاب نوع مدل برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج به دست آمده از این آزمون‌ها در جدول ۴ قابل مشاهده است. با توجه به کمتر بودن سطح معناداری آزمون چاو از مقدار ۰/۰۵، داده‌ها از نوع ترکیبی و همچنین با توجه به کمتر بودن سطح معناداری آزمون هاسمن از مقدار ۰/۰۵، اثرات داده‌ها از نوع ثابت است.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون انتخاب نوع مدل برای آزمون فرضیه‌ها

آزمون هاسمن			آزمون چاو		
نتیجه	سطح معناداری	آماره خی دو	نتیجه	سطح معناداری	آماره F
(الگوی مناسب)	۰/۰۰۰	۴۸/۷۹۷	(الگوی مناسب)	۰/۰۰۰	۱۳/۱۲۵
اثرات ثابت			داده‌های ترکیبی		

جدول ۵ نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش را با استفاده از الگوی رگرسیون داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد. با توجه به کمتر بودن سطح معناداری آماره F از مقدار ۰/۰۵، الگوی رگرسیونی برازش شده معنادار است. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵-۲/۵ قرار دارد و بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل است.

یافته‌های به‌دست آمده از برازش الگوی آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که رابطه منفی و معناداری بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری وجود دارد. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که کیفیت اطلاعات بالاتری دارند، از اعتبار تجاری کمتری استفاده می‌کنند. بنابراین فرضیه اول پژوهش را نمی‌توان رد کرد. این یافته سازگار با یافته‌های پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) و مغایر با یافته‌های پژوهش‌های یون (۲۰۱۳)، گارسیا و همکاران (۲۰۱۴)، دی و یانگ (۲۰۱۵)، دوکس و همکاران (۲۰۱۵)، ابراهیمی کردلر و طاهری (۱۳۹۴)، کامیابی و گرجیان مهلبانی (۱۳۹۵)، ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) و افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) است.

یافته‌های الگوی برازش شده همچنین نشان می‌دهد که در سطح خطای ۵ درصد، بین هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها و اعتبار تجاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این یافته بیانگر این موضوع است که اعتباردهندگان، هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها را در فروش اعتباری در نظر می‌گیرند به گونه‌ای که اگر هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها زیاد باشد، اعتبار تجاری کمتری به خریداران اعطا می‌شود. این یافته همراستا با نتایج پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) است. از سوی دیگر، نتایج حاصل از الگوی برازش شده حاکی از آن است که در سطح خطای ۵ درصد، هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری اثرگذار نیست. به بیان دیگر، رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری تحت تأثیر میزان هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود. این یافته با نتیجه پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی ندارد.

جدول ۵: نتایج برازش الگوی آزمون فرضیه‌ها

$TC_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 LCost_{it} + \beta_3 AQ_{it} \times LCost_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_5 SG_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	C	-۰/۷۴۱	-۵/۵۰۶	۰/۰۰۰
کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ	-۰/۱۵۶	-۳/۷۶۳	۰/۰۰۰
هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها	LCost	-۰/۱۰۶	-۲/۷۱۳	۰/۰۰۷
هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها × کیفیت اطلاعات حسابداری	AQ × LCost	۰/۰۲۲	۰/۵۱۵	۰/۶۰۷

$$TC_{it} = \beta_0 + \beta_1 AQ_{it} + \beta_2 LCost_{it} + \beta_3 AQ_{it} \times LCost_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_5 SG_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	سطح معناداری
اندازه شرکت	Size	۰/۰۶۲	۶/۵۶۳	۰/۰۰۰
سودآوری	ROA	-۰/۲۷۰	-۷/۶۶۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	Lev	۰/۰۰۶	۳/۷۵۱	۰/۰۰۰
رشد فروش	SG	-۰/۰۰۲	-۰/۵۰۸	۰/۶۱۲
آماره F	۱۶/۶۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۷۳	
معناداری آماره F	۰/۰۰۰	آماره دوربین واتسون	۱/۷۰۷	

یافته‌های فرعی الگوی برازش شده برای آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که از میان متغیرهای کنترلی مورد بررسی، اندازه شرکت، سودآوری و اهرم مالی با اعتبار تجاری رابطه معنادار دارند. این یافته مغيار با یافته‌های پژوهش ابراهیمی کردلر و طاهری (۱۳۹۴) و هم‌رستا با یافته‌های پژوهش‌های احمد و همکاران (۲۰۱۴)، چو و همکاران (۲۰۱۵)، کیم (۲۰۱۶)، چن و همکاران (۲۰۱۷)، مک‌گونیس و همکاران (۲۰۱۸)، ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) و افلاطونی و نوروزی (۱۳۹۹) است. از سوی دیگر، یافته‌های فرعی الگوی برازش شده نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین رشد شرکت و اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته با یافته‌های تجربی گارسیا-ترول و ماتینز-سولانو (۲۰۱۰)، کیم (۲۰۱۶)، چن و همکاران (۲۰۱۷)، ابراهیمی کردلر و طاهری (۱۳۹۴)، ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵)، افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) و افلاطونی و نوروزی (۱۳۹۹) در تضاد می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که استفاده اعتبار تجاری تحت تأثیر رشد شرکت‌ها قرار نگرفته است. از جمله دلایل احتمالی این موضوع این است که با توجه به بالا بودن تورم در دوره مورد بررسی، شرکت‌ها صرف‌نظر از فرصت‌های پیش‌رو تمایل به استفاده از اعتبار تجاری داشته‌اند چرا که در دوران تورمی، خرید اعتباری می‌تواند نوعی سپر تورمی برای شرکت‌ها محسوب شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

اعتبار تجاری یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی کوتاه‌مدت می‌باشد. عوامل متعددی بر اعتبار تجاری تأثیرگذار است و کیفیت اطلاعات حسابداری یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آن می‌باشد. در خصوص رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری دو نظریه متضاد وجود دارد. بر اساس نظریه اول کیفیت اطلاعات حسابداری مشتریان نقش مهمی در ارزیابی وضعیت خریداران و تصمیم‌های تأمین‌کنندگان برای فروش اعتباری به آن‌ها دارد چرا که تأمین‌کنندگان کیفیت اطلاعات حسابداری را به‌عنوان علامتی از وضعیت مطلوب خریداران در نظر می‌گیرند. بنابراین، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و میزان استفاده از اعتبار جاری رابطه مثبت برقرار است. طبق نظریه دوم شرکت‌های با کیفیت اطلاعات بالاتر دسترسی آسان‌تری به سایر منابع تأمین مالی همچون تسهیلات بانکی دارند و در نتیجه کمتر از خرید اعتباری استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، بر اساس نظریه دوم پیش‌بینی می‌شود که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و میزان استفاده از اعتبار تجاری رابطه‌ای منفی وجود داشته باشد. از سوی دیگر، چنانچه تأمین‌کنندگان بتوانند با هزینه پایین کالاهای فروخته شده را بازپس بگیرند و آن را به وجه نقد تبدیل کنند، نیاز چندانی به بررسی وضعیت اعتباری مشتریان ندارند چرا که با هزینه‌های اندک می‌توانند مطالبات خود را از این طریق وصول کنند. به بیان دیگر، انتظار می‌رود هزینه‌های نقدشوندگی موجودی‌ها یکی از عوامل تأثیرگذار بر رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و استفاده از اعتبار تجاری باشد. پژوهش حاضر به‌منظور آزمون پیش‌بینی‌های دو نظریه پیش‌گفته پیرامون رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری و همچنین تأثیر هزینه‌های نقدشوندگی موجودی بر این رابطه در بین شرکت‌های ایرانی انجام گرفت. در این راستا، داده‌های نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردآوری و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری رابطه معکوس وجود دارد. این یافته همراستا با یافته حاصل از پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) و مغایر با یافته‌های پژوهش‌های یون (۲۰۱۳)، گارسیا و همکاران (۲۰۱۴)، دی و یانگ (۲۰۱۵)، دوکس و همکاران (۲۰۱۵)، ابراهیمی کردلر و طاهری (۱۳۹۴)، کامیابی و



گرجیان مهلبانی (۱۳۹۵)، ایزدی‌نیا و طاهری (۱۳۹۵) و افلاطونی و نعمتی (۱۳۹۷) است. از طرفی، این یافته همراستا با نظریه دوم است، بدین معنی که شرکت‌هایی که اطلاعات با کیفیت بالاتری دارند، تمایل چندانی به استفاده از اعتبار تجاری و خرید نسبی موجودی‌ها ندارد چرا که می‌توانند از طریق سایر منابع اقدام به تأمین منابع مالی کنند. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری اثرگذار نیست. این یافته مغایر با مبانی نظری مطرح شده و نتیجه حاصل از پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۷) است. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی بین هزینه‌های نقدشوندگی موجودی‌ها و اعتبار تجاری است. این یافته‌ها به‌طور تلویحی بیان‌گر این هستند که هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها در تصمیم‌گیری‌های تأمین‌کنندگان برای اعطای اعتبار به خریداران نقش مهمی دارد و آن‌ها به‌هنگام اخذ این گونه تصمیم‌ها توجه چندانی به کیفیت اطلاعات حسابداری خریداران ندارند. به‌بیان دیگر، تأمین‌کنندگان حتی در صورت بالا بودن هزینه نقدشوندگی موجودی‌ها نیز کیفیت اطلاعات حسابداری خریداران را به میزان کافی در تصمیم‌های اعطای اعتبار به آن‌ها لحاظ نمی‌کنند.

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر این که تأمین‌کنندگان به‌هنگام اعطای اعتبار تجاری وزن لازم را به کیفیت اطلاعات حسابداری خریداران نمی‌دهند، به آن‌ها پیشنهاد می‌شود که در اعطای اعتبار تجاری به کیفیت اطلاعات حسابداری خریداران توجه بیشتری داشته باشند. به‌ویژه به‌هنگام بالا بودن هزینه‌های نقدشوندگی موجودی‌ها، کیفیت اطلاعات حسابداری خریداران را نیز در اعطای اعتبار به آن‌ها لحاظ کنند. با توجه به وجود معیارهای مختلف برای اندازه‌گیری کیفیت اطلاعات حسابداری به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌شود، پژوهش حاضر را با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری کیفیت اطلاعات حسابداری نظیر پایداری سود انجام دهند.

## یادداشت‌ها

- |                      |                                     |
|----------------------|-------------------------------------|
| 1. Trade Credit      | 2. Bernanke & Gertler               |
| 3. Ferrando & Mulier | 4. Altunok                          |
| 5. Chen              | 6. Dechow                           |
| 7. Liquidation Cost  | 8. Mian & Smith                     |
| 9. Wenfeng Wua       | 10. Emery                           |
| 11. Dai & Yang       | 12. García-Appendini                |
| 13. Klapper          | 14. Murfin & Njoroge                |
| 15. Pike & Cheng     | 16. Signals                         |
| 17. Biais & Gollier  | 18. Petersen & Rajan                |
| 19. Yun              | 20. García-Teruel                   |
| 21. Dhieux           | 22. Zhang                           |
| 23. Xing             | 24. Accrual earnings management     |
| 25. Accruals quality | 26. Dechow & Dechev                 |
| 27. Giannetti        | 29. Ahmed                           |
| 29. Chou             | 30. Kim                             |
| 31. McGuinness       | 32. García-Teruel & Martinez-Solano |

## منابع

- ابراهیمی کردلر، علی، طاهری، منصور. (۱۳۹۴). تأثیر کیفیت سود بر اعتبار تجاری. مجله بررسی‌های حسابداری، ۲(۳)، ۱۴-۱.
- افلاطونی، عباس، نعمتی، مرضیه. (۱۳۹۷). نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۱)، ۲۰-۱.
- افلاطونی، عباس، نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). عوامل موثر بر عرضه و تقاضای اعتبار تجاری: رویکردهای ایستا و پویا. دانش حسابداری، ۱۱(۱)، ۵۹-۳۵.
- ایزدی‌نیا، ناصر، طاهری، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۱۹)، ۸۱-۱۰۱.
- خواجوی، شکرالله، قدیریان آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت سود بر

- تجدید ارائه صورت‌های مالی. پیشرفت‌های حسابداری، (۲)۷، ۸۴-۵۹.
- صالح‌نژاد، سیدحسن، وقفی، سیدحسام، و قربان‌پور، جبریل. (۱۳۹۴). تأثیر کیفیت اطلاعات بر ریسک سیستماتیک و هزینه سرمایه، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، (۱)۴، ۱۹۶-۱۷۱.
- طاهری‌نیا، مسعود. (۱۳۹۹). اثر تعاملی صرف ریسک نقدشوندگی بر ارتباط بین کیفیت اطلاعات و هزینه سرمایه، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، (۱)۹، ۹۱-۶۷.
- فرهنگیان، عقیل، و حیدرپور، فرزانه. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری بر جریان نقد عملیاتی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، (۲)۹، ۱۴۲-۱۲۱.
- کامیابی، یحیی، گرجیان‌مهلبانی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی اثر سیاست پولی بر رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و اعتبار تجاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، (۳)۸، ۱۸-۱.
- نمازی، محمد، رضایی، غلامرضا، و ممتازیان، علیرضا. (۱۳۹۳). رقابت در بازار محصول و کیفیت اطلاعات حسابداری. پیشرفت‌های حسابداری، (۲)۶، ۱۶۶-۱۳۱.
- نیک‌نیافر، مسعود حمزه، افلاطونی، عباس، و نیکبخت، زهرا. (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا بر به کارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها، پژوهش‌های تجربی حسابداری، (۳)۹، ۱۱۴-۹۷.
- Aflatooni, A., & Nemati, M. (2018). The role of financial reporting quality and disclosure quality in increasing commercial credit. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25(1), 269-288. [In Persian].
- Aflatooni, A., & Norouzi, M. (2020). Determinants of supply of and demand for trade credit: Static and dynamic approaches. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(1), 35-59. [In Persian].
- Ahmed, J., Xiaofeng, H., & Khalid, J. (2014). Determinants of trade credit: The case of a developing economy. *European Researcher*, (2-9), 1706-1694.
- Altunok, F. (2012). Three essays on trade credit. North Carolina State University.
- Bernanke, B. S., & Gertler, M. (1995). Inside the black box: the credit channel of monetary policy transmission. *Journal of Economic perspectives*, 9(4), 27-48.
- Biais, B., & Gollier, C. (1997). Trade credit and credit rationing. *The Review of Financial Studies*, 10(4), 903-937.
- Chen, D., Liu, M., Ma, T., & Martin, X. (2017). Accounting quality

- and trade credit. *Accounting Horizons*, 31(3), 69-83
- Chou, J. H., Horng, M. S., Wu, W. M., & Phoung, N. T. (2015). The Determinants of trade credit: Vietnam experience. In Proceedings of the Second Asia-Pacific Conference on Global Business, *Economics, Finance and Social Sciences* (AP15Vietnam Conference). Danang, Vietnam.
- Dai, B., & Yang, F. (2015). Monetary policy, accounting conservatism and trade credit. *China Journal of Accounting Research*, 8(4), 295-313.
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, 77(s-1), 35-59.
- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of accounting and economics*, 50(2), 344-401.
- Dhieux, A., Severin, E., & Vigneron, L. (2015). Does accounting information quality matter for SMEs' use of trade credit? [Qualite de L'information comptable et recours aAu credit fournisseur] (No. hal-01188869).
- Ebrahimi-Kordlar, A., & Taheri, M. (2015). Examining the relationship between earnings quality and trade credit, *Journal of Iranian Accounting Review*, 2(3), 1-14. [In Persian].
- Emery, G. W. (1987). An optimal financial response to variable demand. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 22(2), 209-225.
- Farhangian, A., & Heidarpour, F. (2019). Accounting information quality and operational cash flow, *Journal of Empirical Research in Accounting*, 9(2), 121-142. [In Persian].
- Garcia-Appendini, E. (2011). Supplier certification and trade credit. Working paper, Available at SSRN 1795107
- García-Teruel, P. J., & Martínez-Solano, P. (2010). Determinants of trade credit: A comparative study of European SMEs. *International Small Business Journal*, 28(3), 215-233.
- García-Teruel, P. J., Martínez-Solano, P., & Sánchez-Ballesta, J. P. (2014). Supplier financing and earnings quality. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9-10), 1193-1211.
- Giannetti, M., Burkart, M., & Ellingsen, T. (2011). What you sell is what you lend? Explaining trade credit contracts. *The Review of Financial Studies*, 24(4), 1261-1298.
- Izadi-Nia, N., & Taheri, M. (۲۰۱۵). The relation between accounting quality and trade credit. *Journal of Empirical Research in Accounting*. ۵(۳), 81-101. [In Persian].

- Kamyabi, Y., & Gorjian-Mehlabani, R. (2016). The effect of monetary policy on the relationship between accounting conservatism and trade credit in listed companies of Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 8(3), 1-18. [In Persian].
- Khajavi, S. & Ghadirian-Arani, M. H. (2015). Investigation of the impact of earnings quality on restatement of financial statements, *Journal of Accounting Advances*, 7(2), 59-84. [In Persian].
- Kim, W. S. (2016). Determinants of corporate trade credit: an empirical study on Korean firms. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(2), 414-419.
- Klapper, L., Laeven, L., & Rajan, R. (2011). Trade credit contracts. *The Review of Financial Studies*, 25(3), 838-867.
- McGuinness, G., Hogan, T., & Powell, R. (2018). European trade credit use and SME survival. *Journal of Corporate Finance*, 49, 81-103.
- Mian S. & Smith C. (1992). Accounts receivable management policy: Theory and evidence. *Journal of Finance*, 47, 167-200.
- Murfin, J., & Njoroge, K. (2014). The implicit costs of trade credit borrowing by large firms. *The Review of Financial Studies*, 28(1), 112-145.
- Namazi, M., Rezaei, G., & Momtazian, A. (2014). Product market competition and accounting information quality, *Journal of Accounting Advances*, 6(2), 131-166. [In Persian].
- Nikniafard, M. H., Aflatooni, A., & Nikbakht, Z. (2020). The effect of accounting information quality and disclosure quality on the use of financial resources in firms' core business. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 9(3), 97-114. [In Persian].
- Petersen, M. A., & Rajan, R. G. (1997). Trade credit: theories and evidence. *The Review of Financial Studies*, 10(3), 661-691.
- Pike, R., & Cheng, N. S. (2001). Credit management: an examination of policy choices, practices and late payment in UK companies. *Journal of Business Finance & Accounting*, 28(7&8), 1013-1042.
- Pownall, G. & Schipper, K. (1999). Implications of accounting research for the SEC's consideration of international accounting standards for U.S. securities offerings. *Accounting Horizons*, 13 (3), 259-280.
- Salehnejad, S. H., Vaghfi-Jabreil, S. H., & Ghorbanpour, J. (2015). The effect of information quality on systematic risk and cost of capital. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 4(1), 171-196. [In Persian].
- Taherinia, M. (2020). The effect of liquidity risk on the relationship between information quality and cost of capital, *Journal of*

- 
- Applied Research in Financial Reporting*, 9(1), 67-91. [In Persian].
- Wenfeng Wua., Oliver M. Rui b, & Chongfeng, Wu. (2011). The relationship between financial development and trade credit to the amount of funding. *Journal Research Economic*, 2 (1), 66-82.
- Xing, H., Huangfu, J., & Thevenot, M. (2021). Customer firms' earnings management mechanisms and their suppliers' trade credit.
- Yun, K. (2013). Does accounting quality matter for short-term financing? Evidence from firms' amount of trade credit, Doctoral dissertation, University of British Columbia.
- Zhang, Y. (2020). Conditional conservatism and trade credit during the global financial crisis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 39(4), 106728.